

# نیم نگاهی به کتاب صیانة القرآن من التحریف

## محمد تقی دیاری بیدگلی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

**چکیده:** مؤلف در آغاز مقاله، به بررسی شبهه تحریف و ماهیت آن می‌پردازد و سپس کتاب صیانة القرآن من التحریف را مورد نقد و بررسی قرار داده است.

در ضمن این مقاله به تبع بحث از کتاب آیت الله معرفت، کتاب فصل الخطاب آقای نوری نیز مورد بحث قرار گرفته است.

شبهاتی نظیر نیامدن اسم معصومین علیهم‌السلام در قرآن، از مباحث مطروحه در این مقاله است.

**کلید واژه‌ها:** نقد و بررسی، صیانة القرآن من التحریف، فصل الخطاب معرفت، نوری.

## پیشینه تاریخی بحث تحریف قرآن

شبهه‌ی تحریف قرآن، از دیر زمان مطرح بوده و پیوسته مورد انکار و رد علما و محققان بزرگ اسلام قرار گرفته است. البته برخی گروه‌ها و یا افرادی که به دلیل آشنایی محدود با اصول و پایه‌های عقاید اسلامی، شبهه را تصور کرده و خواسته‌اند به گونه‌ای آن را توجیه کنند. منشأ این شبهه نیز روایاتی است که در کتب حدیث اهل سنت و شیعه وارد شده است که به ظاهر تحریف کلام الله را می‌رساند<sup>(۱)</sup>.

برخی از بزرگان، به طور کلی بحث تحریف درباره قرآن کنونی را منکر شده‌اند و معتقدند که بحث در این مورد محلی از اعراب ندارد.<sup>(۲)</sup> شیخ آقا بزرگ تهرانی در این باره می‌فرماید: آری در میان مسلمانان، اختلاف مشهوری وجود دارد، اما در موضوعی دیگر غیر از این کتاب کریم، و آن این است که آیا بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، وحی قرآنی دیگری غیر از ما بین الدفتین نازل شده است یا خیر؟ لذا برخی ادعای قطع کرده‌اند که همه آنچه به عنوان قرآن نازل شده، همین ما بین الدفتین است و برخی نیز ادعا کرده‌اند که وحی

دیگری - نه از سنخ احکام - به نحو اجمال نازل شده، به این معنا که آن وحی در نزد آنان، دقیقاً مشخص و معلوم نیست، بلکه فقط به نزول آن قرائنی قطعی وجود دارد. و این عده به خاطر حاصل نشدن یقین عذر خواهی می‌کنند؛ زیرا احتمالاتی وجود دارد که وجود وحی دیگری را منع نمی‌کند. و با وجود این احتمالات، دیگر مجالی برای یقین به عدم نزول وحی دیگری باقی نمی‌ماند و همین تحریر محل بحث است، در مسأله‌ای که به تحریف شهرت یافته و محاکمه بین دو گروه را به کسی که در تاریخ صدر اسلام به نحو همه جانبه بحث می‌کند، وامی‌گذاریم (۳).

### نگاهی گذرا به کتاب صیانة القرآن

قرآن پژوه معاصر، استاد معرفت در اثر ارزشمند خود پس از بیان معانی لغوی و اصطلاحی تحریف، عمده نزاع را مربوط به تحریف لفظی قرآن دانسته‌اند که خود بر دو نوع است: تحریف به کاهش، تحریف به افزایش؛ وی افزوده‌اند که مورد اجماع امت است که هرگز چیزی بر قرآن افزوده نشده است. (۴) دیدگاه رسمی مورد وفاق شیعه و بلکه مسلمانان، اعتقاد به عدم تحریف قرآن بلکه تحریف ناپذیری آن است. گرچه برخی ناآگاهان بدون توجه به نتایج و پیامدهای ناگوار و سوء آن، گاهی آشکارا و گاهی نیز با تعابیر دو پهلو در باب اثبات و یا نفی تحریف قرآن سخن گفته‌اند (۵).

استاد معرفت در فصلی جداگانه به تفصیل اقوال و آرای شیعه را از شیخ المحدثین ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه صدوق (۳۸۱ق) تا خاتمة المحدثین، شیخ حر عاملی (۱۱۰۴ق) و نیز تا دوران معاصر را نقل کرده و سپس به نقل اقوال برخی از بزرگان اهل سنت پرداخته که منصفانه مسأله‌ی تحریف را بررسی کرده‌اند و شیعه امامیه را از اتهام ناروای قول به تحریف مبرا دانسته‌اند. (۶)

ایشان بر این باورند که در میان اخباریان شیعه، سید نعمت الله جزایری (۱۱۱۲ق) نخستین کسی است که بر اساس روایات شاذ و اخبار ضعیف و بی اساس، نغمه تحریف را در دوره متأخرین از نو نواخته است و کتاب الانوار النعمانیة و نیز رساله منبع الحیاة او

منبع اصلی قول به تحریف است. و پس از وی، میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰ق) نیز بر این منابع و گفته‌های او اعتماد کرده است.<sup>(۷)</sup>

### محتویات کتاب فصل الخطاب نوری:

محدث نوری کتاب فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب را در سه مقدمه (روایات جمع و تألیف، انواع تحریف و تغییر، نقل سخنان علمای شیعه) و دوازده فصل (همسانی تحریف کتابهای پیشین با امت اسلام، نحوه جمع و تألیف قرآن پس از پیامبر ﷺ، توجیهای بزرگان اهل سنت پیرامون روایات تحریف، مصحف مولا امام علی علیه السلام، مصحف عبدالله بن مسعود، مصحف ابی بن کعب، حذف آیات قرآن به دست عثمان، روایات حشویه عامه، روایات کعب الاحبار درباره موالید پیامبر و عترت او، اختلاف قراءات، روایات دال بر تحریف قرآن به نحو کلی، روایات دال بر تحریف قرآن به نحو جزئی) و یک خاتمه (بیان ادله منکران تحریف و مناقشهی در آنها) تدوین نموده است.

استاد معرفت در فصول گوناگون کتاب خود، ضمن بیان ادله‌ی تحریف ناپذیری، به نقد همه دلایل مخالفان و نیز شبهات خاورشناسان و روایات موهم تحریف قرآن پرداخته است.<sup>(۸)</sup>

### انگیزه محدث نوری در نگارش فصل الخطاب

محققان بر این باورند که آنچه محدث نوری را به نگارش این کتاب واداشته، این گمان بوده است که مخالفان فضایل اهل بیت علیهم السلام و مطالب (زشتی‌های) دشمنان آنان را از قرآن انداخته‌اند. در واقع این کتاب را در پاسخ به پرسش یکی از دانشمندان هندی که از او پرسیده بود، چرا نام پیشوایان معصوم دینی در قرآن نیست، نگاشته است.<sup>(۹)</sup> میرزا حسین نوری در اثر خود تصریح می‌کند چگونه یک شخص با انصاف می‌تواند احتمال بدهد که خداوند نام اوصیای خاتم پیامبران و دختر ایشان را در کتاب خود که سرآمد تمامی کتب پیشینیان است نیاورده باشد و ایشان را بر امتی که گرامی‌ترین امت‌هاست، نشناسانده باشد، در حالیکه این کار در مقایسه با دیگر واجباتی که مکرر در قرآن آمده

است از اهمیت بیشتری برخوردار است. (۱۰)

### نقد روایات فصل الخطاب و مصادر آنها

استاد معرفت بر این عقیده است که مجموع روایاتی که محدث نوری در فصل الخطاب گردآوری نموده، ۱۱۲۲ روایت است که عموم آنها (۸۱۵ روایت) را از کتابهایی نقل کرده که فاقد اعتبار است. نظیر رساله‌ای در محکم و متشابه قرآن که مولف آن مجهول است. «السقیفه منسوب به سلیم بن قیس هلالی که مورد دستبرد قرار گرفته، و از درجه اعتبار ساقط است» حدود ۳۵۰ روایت از کتاب القراءات سیاری (۱۱) (۲۶۸ق) است که نزد امامیه هیچ ارزشی ندارد و بسیاری از رجال شناسان از جمله نجاشی وی را ضعیف الحدیث و فاسد المذهب خوانده است (۱۲).

و تفسیر ابی الجارود که از غلات بوده و مورد لعن امام صادق علیه السلام قرار گرفته است و الاحتجاج طبرسی که فاقد سند (مرسل) بوده است و مولف آن نیز مجهول است و تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام که فاقد اعتبار و نسبت آن به امام نیز جعلی است و ۸۸ روایت از تفسیر عیاشی که روایاتش محذوف الاسانید است و ۸۶ روایت از تفسیر علی بن ابراهیم قمی است که مورد دستبرد قرار گرفته، نسبت آن به وی معلوم نیست و بلکه یادداشتها و املاهای شاگردش ابوالفضل العباس بن محمد العلوی است و ۱۲۹ روایت از مجمع البیان طبرسی است که علی رغم اهمیت کتاب نزد امامیه، جمیع روایاتش مرسله و مربوط به اختلاف قراءات است و هیچ ارتباطی به تحریف ندارد. علاوه بر این طبرسی در مقدمه تفسیر خود صراحتاً قائل به سلامت قرآن از تحریف است. و الاستغاثه از علی بن احمد کوفی که فاسد المذهب است. (۱۳) از ۳۰۷ روایت باقیمانده نیز ۱۰۷ روایت مربوط به باب قراءات است که صرفاً اجتهاد قاریان در کیفیت قرائت قرآن است و ۲۰۰ روایت آن نیز مربوط به روایات تفسیری، تحریف معنوی، روایات سبعة عشر الف آیه، روایات مربوط به ظهور حجت علیه السلام و مصحف جدید وی، روایات مربوط به شأن اهل بیت می باشد. (۱۴)

شایان توجه است که علاوه بر استاد معرفت که بحق عالمانه و استادانه به نقد ادله و

روایات فصل الخطاب پرداخته‌اند. استاد علامه سید مرتضی عسکری در کتاب القرآن الکریم و روایات المدرستین به طور جامع و مستدل، روایات فصل الخطاب را از نظر سندی و دلالتی مورد بررسی و نقد قرار داده است. (۱۵)

نگارش و نشر حاجی نوری، در حوزه‌های علمی شیعه و جهان اسلام موجی عظیم از اعتراض علمای شیعه و اهل سنت را برانگیخت. (۱۶) نخستین کتابی که در رد او نوشته شد کتاب کشف الارتیاب فی عدم تحریف الکتاب اثر شیخ محمود ابن ابی القاسم مشهور به معرب تهرانی (۱۳۲۳ق) است. (۱۷)

### چرا در قرآن کریم نام اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه امام علی علیه‌السلام نیامده است؟

این پرسش از جمله پرسشهایی است که از دیر باز ذهن بسیاری را به خود مشغول داشته و حتی در عصر معصومان نیز دغدغه برخی بوده است. همانطور که اشاره شد، انگیزه اصلی محدث نوری در نگارش کتاب فصل الخطاب پاسخ این پرسش بود تا ثابت کند که اهل بیت و به ویژه امیر مؤمنان علیه‌السلام از منزلت و جایگاهی والا در قرآن برخوردارند و نام‌های آنان احیاناً در آیات وحی الهی بوده است و بعدها در اثر شرایط تاریخی و سیاسی محو شده است.

وی از این رو به گردآوری روایاتی اهتمام ورزیده است که بیشتر آنها به اعتقاد صاحب نظران از نظر سندی بی اعتبار و از نظر دلالتی نیز مجعول و مخدوش و یا اینکه تأویل پذیرند.

به هر حال بسیاری از قرآن پژوهان و صاحب نظران در دانش حدیث و تفسیر به این پرسش پاسخهایی داده‌اند که به اجمال به بیان دیدگاه‌های برخی از آنان به ویژه اندیشمندان معاصر از جمله امام خمینی (ره)، علامه خوئی و نیز استاد معرفت که به نقد و ارزیابی این گونه روایات مبادرت ورزیده‌اند می‌پردازیم.

این پرسش که چرا نام اهل بیت در کتاب الهی قرآن کریم ذکر نشده است، در روایتی از امام صادق علیه‌السلام نیز چنین آمده است:

الامام الصادق علیه‌السلام قال فی جواب من سأله: ان الناس یقولون: فإله لم یسم علیاً و اهل بینه فی

کتاب الله عزوجل؟ قال ﷺ: قولوا لهم: ان رسول الله ﷺ نزلت عليه الصلوة و لم يسم الله لهم ثلاثاً ولا رابعاً حتى كان رسول الله ﷺ هو الذى فسر ذلك لهم و.. (۱۸)

امام صادق علیه السلام در پاسخ به اینکه چرا خداوند از علی و اهل بیت او در قرآن نام نبرده است؟ فرمود به آنان بگو: نماز بر پیامبر نازل شد و برای آنان مشخص نکرد که سه رکعت یا چهار رکعت است تا اینکه پیامبر خدا جزئیات آن را برای مردم تفسیر کرد.

همان گونه که ملاحظه شد از حدیث امام علیه السلام چنین برمی آید همچنان که رسالت اصلی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر و تبیین جزئیات احکام شرعی است (۱۹) مدح و ستایش امیر مؤمنان علیه السلام و اهل بیت او نیز به عنوان الگوهای کامل انسانی و جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله بر عهده شخص پیامبر اسلام است. علاوه بر این که شیوه قرآن کریم، غالباً بیان کلیات و امهات مسائل و احکام شرعی و تبیین اوصاف و ارزش‌ها و ضد ارزش‌های اخلاقی و عملی و اعتقادی و نیز نشان دادن ویژگی‌های الگوهاست تا مردم خود، با آگاهی از معیارها و اوصاف بتوانند با اندیشه و خردمندی خود، این ویژگی‌ها و معیارها را بر افراد واجد شرایط تطبیق دهند، نیز آیات بی شماری از قرآن در شأن فضایل والای اهل بیت نازل شده است که سبب نزول خاص آنها جز اهل بیت نیستند، آیات و روایات متواتر و قطعی که حجت الهی را بر همگان تمام کرده است.

امام خمینی (ره) در این باره می فرماید: اگر در قرآن کریم تصریح به نام اهل بیت و به ویژه امام علی علیه السلام شده بود خود آنان در مقام احتجاج به آیات قرآن تمسک می کردند و دیگر نیاز نبود پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نسبت به معرفی آنان دست به اقدام خاص بزند. (۲۰)

مرحوم آقای خویی در نقد برخی روایات دال بر این معنا که نام‌های ائمه اطهار در بعضی آیات قرآن بوده و سپس حذف شده است چنین می فرماید:

برخی از این روایات از قبیل تفسیر آیات قرآن است اگر این وجه را نپذیریم باید روایات را طرد کنیم چون مخالف با کتاب و سنت است از جمله ادله‌ای که آشکارا دلالت بر این دارد که نام امیرالمؤمنین علیه السلام در قرآن ذکر نشده است، حدیث غدیر است. اگر نام حضرت در قرآن ذکر شده بود دیگر نیازی به نصب و تعیین خاص ولی نبود

خلاصه اینکه درستی حدیث غدیر سبب دروغ بودن این روایات است، به ویژه که حادثه غدیر در سال حجة الوداع و در اواخر عمر پیامبر ﷺ رخ داده است در حالیکه همه قرآن نازل شده و در میان مسلمانان رواج یافته بود. (۲۱)

وی همچنین پس از نقل حدیث امام صادق ﷺ در ذیل آیه ۵۹ سوره نساء، می‌افزاید:

فتكون هذه الصحيحة حاکمة على جميع تلك الروایات و موضحة للمراد منها و ان ذکر اسم امیر المؤمنین ﷺ في تلك الروایات قد كان بعنوان التفسير او بعنوان التنزيل، مع عدم الامر بالتبلیغ و یضاف الى ذلك ان المتخلفين عن بیعة ابی بکر لم یحتجوا بذکر اسم علی ﷺ في القرآن و لو كان له ذکر في الكتاب لكان ذلك ابلغ في الحججة و لاسیما في جمع القرآن بزعم المستدل - كان بعد تامة امر الخلافة بزمان یسير، فهذا من الادلة الواضحة على عدم ذكره في الايات. (۲۲)

استاد معرفت در دو موضع از اثرازشمند خود به بررسی و تحلیل این موضوع پرداخته است (۲۳).

ایشان درباره حذف نام علی ﷺ از آیه بلاغ و کمال (۲۴) ضمن نقل روایتی از تفسیر عیاشی از امام صادق ﷺ که می‌فرماید: جبرئیل روز جمعه در عرفات بر پیامبر فرود آمد، پس به او گفت: ای محمد: خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: به امت بگو: الیوم اکملت لکم دینکم بولاية علی بن ابی طالب و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً (۲۵)، می‌فرماید:

این جمله، به عنوان تفسیر کامل شدن دین است نه اینکه جزء آیه باشد آنطور که برخی پنداشته‌اند. روایت دیگری هم در ذیل این آیه وارد شده است که به خوبی گواه بر این معناست. از جمله کلینی (ره) با سند متصل خود از امام باقر ﷺ در حدیث فرایض روایت می‌کند: سپس ولایت نازل شد و این امر در روز جمعه در عرفات به پیامبر رسید. آنگاه خداوند نازل فرمود: الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و دین با ولایت علی بن ابی طالب ﷺ کامل شد. (۲۶)

در این روایت امام ﷺ صریحاً با بیان علت کامل شدن دین با ابلاغ ولایت امیر

مؤمنان عليه السلام آیه شریفه را تفسیر می‌نماید.

استاد معرفت همچین در خاتمه‌ی کتاب، آشکارا اظهار می‌دارد که در قرآن دلایل فراوانی بر فضیلت و شرافت اهل بیت وجود دارد که اگر کسی با چشم بصیرت و دلی پاک در آنها تدبر نماید، حقیقت را درخواهد یافت و این همان است که امام صادق عليه السلام فرمود: اگر قرآن همانگونه که نازل شده قرائت می‌شد، مسلماً ما را با نام و نشان در آن می‌یافتی. (۲۷) سپس ایشان پس از نقل شواهد و نمونه‌های دیگری از آیات قرآنی و تفسیرهای درست آن از سوی امامان معصوم عليهم السلام، می‌افزاید: اما اینکه امام عليه السلام در آن حدیث فرمود: ما را با نام و نشان می‌یافتی، منظور اسم و نام متعارف نیست؛ بلکه مقصود ذکر ویژگی‌ها و نشانه‌هایی است که به روشنی برتری ویژه آنان را می‌فهماند.

## پی نوشت

- ۱- معرفت، محمد هادی؛ تاریخ قرآن، ص ۱۵۴.
- ۲- تهرانی، آقا بزرگ، الذریعه، ۷۸۸/۱۰.
- ۳- همان، ۲۷۸/۴.
- ۴- خرمشاهی، بهاء‌الدین، قرآن پژوهی، ص ۱۰۷.
- ۵- معرفت، صیانة القرآن، ص ۵۹-۹۲.
- ۶- همان، ص ۱۱۱.
- ۷- همان، ۲۰۹.
- ۸- همان، ص ۲۰۹.
- ۹- ر.ک، نوری، میرزا حسین؛ فصل الخطاب، فصل نهم، ص ۱۸۳.
- ۱۰- کتاب سیاری به نام «التزیل و التحریر» معروف بوده و این عنوان به محتوای کتاب نزدیکتر است از عنوان القراءات. ۱- معرفت، صیانة القرآن، ۲۲۸ و الذریعه، ۱۷ / ۵۲. این کتاب ظاهراً نخستین اثری است که در قرن سوم هجری در این زمینه فراهم آمده است و در قرن پنجم هجری نخستین ردیه نیز از سوی واحدی نیشابوری (م ۴۶۸ق) با عنوان نفی التحریف عن القرآن الشریف، تدوین شده است.
- ۱۱- ر.ک: نجاشی، الرجال، ۸۰. در کتب رجال، سیاری را از اصحاب امام عسکری عليه السلام و یا امام هادی عليه السلام



دانسته‌اند؛ کتاب القراءات وی با این که در سده سوم تألیف شده، ظاهراً تا سده یازدهم در دست نبوده و به همین دلیل در شمار مصادر بحارالانوار مجلسی «رد» نیز قرار نگرفته است. «رک: استادی، رضا؛ درباره روایات فصل الخطاب نوری، ۸۱-۸۳) و کتابهای رجال شیعه تضعیف شده، (رک، نجاشی ۸۰ و ۳۴۸؛ ضوسی، الفهرست، ۲۲، همو، رجال، ۳۸۴ و ۳۹۷ رقم ۵۶۵۲ و ۵۸۱۹ و حلی، ۲۶۸ رقم ۱۲۷) اینکه کلینی (رد) از وی روایت کرده به هیچ وجه دلیل بر ثقه بودن وی نمی‌باشد؛ چه بسا کلینی روایات ضعیف‌السند را به جهت اینکه از راههای دیگر به صدور آنها اطمینان پیدا کرده، نقل کرده باشد به علاوه معلوم نیست که کلینی (رد) از کتاب القراءات، چیزی نقل کرده باشد تا بگوییم قرینه بر اعتبار کتاب القراءات است. (استادی، ۸۰ - ۸۱)

۱۲- صیانة القرآن، ص ۲۲۱-۲۳۷.

۱۳- معرفت، صیانة القرآن، ص ۱۷۷-۱۸۱.

۱۴- ر.ک. عسکری، سید مرتضی؛ القرآن الکریم و روایات المدرستین، دانشکده اصول دین، تهران، اول، ۱۳۷۸ ش، ج ۳ و نیز استادی، پیشین، مجله علوم حدیث، ش ۱۶، ص ۴۲-۸۵.

۱۵- خرماهی، پیشین ۱۰۷-۱۰۸.

۱۶- برای آگاهی بیشتر درباره ردیه‌هایی که علیه فصل الخطاب نوری نگارش شده است. ر.ک. استادی پیشین، ص ۵۸-۴۲ و نیز امینی، کتاب‌شناسی تحریف ناپذیری قرآن کریم، بی‌نات، ش ۲۱، ۱۳۷۸، ص ۱۷-۱۵۳ و صحتی درودی، کتاب‌شناسی افسانه تحریف؛ صحنه مبین، ش ۲، ۱۳۷۸، ص ۱۳۷-۱۵۸. ظاهراً آخرین اثری که هم در رد فصل الخطاب و نیز در رد و نقد اندیشه‌های فتناری (مؤلف کتاب اصول مذهب الشیعه الامامیه) نوشته شده، کتاب ارزشمند (سلامة القرآن من التحریف) نوشته دکتر فتح الله نجار زادگان است که حاصل پژوهش ایشان به عنوان رساله‌ی دکترای تخصصی علوم قرآن و حدیث در دانشکده الهیات در دانشگاه تهران است. این اثر نیز با راهنمایی استاد گرانقدر آیه الله معرفت فراهم آمده است.

۱۷- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱/۲۸۶. پرتال جامع علوم انسانی

۱۸- ر.ک. نحل/۴۴.

۱۹- ر.ک. امام خمینی، انوار الهدایه، ۱/۲۴۳.

۲۰- علامه خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ۲۳۲-۲۳۱.

۲۱- همان، ص ۲۳۲ و نیز ر.ک: عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۳/۷۴ و ۳۶۹-۳۷۵ ذیل آیه تبلیغ، مائده، ۶۷، و معرفت، صیانة القرآن، ۲۸۱.

۲۲- ر.ک: معرفت، صیانة القرآن، ۲۰۸-۲۰۵ و ۲۸۶-۲۷۲.

۲۳ - عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر العیاشی، ۱/ ۲۹۳ / رقم ۲۱.

۲۴ - مائده / ۳.

۲۵ - کافی، ج ۱، ص ۲۹۰.

۲۶ - ر. ک: حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۱.

۲۷ - کافی، ج ۱، ص ۲۸۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی